

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۱۴۱-۱۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۲۲



مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تأکید بر منشور سازمان ملل متحد

حسن محمد رضائی^۱، سید باقر میرعباسی^۲، علی کمالی^۳

چکیده

توسل به زور و ممنوعیت آن دو اصل مهم در حقوق بین‌الملل هستند که مباحث زیادی پیرامون دو مفهوم مطرح شده است هدف این مقاله بررسی مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی است تحلیل پیشینه توسل به زور نشان داده است توسل زور توسط هر کشوری بر علیه کشور دیگر از منظر اسناد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل محکوم است. هیچ کشوری مجاز به استفاده از زور در روابط بین‌المللی نیست. تنها یک کشور زمانی می‌تواند از زور استفاده نماید که مورد تجاوز واقع شده باشد و در مقام دفاع از خود متوسل به زور شود. مداخله بشر دوستانه و توسل به زور تنها در صورتی می‌تواند مجاز تلقی شود که شورای امنیت سازمان ملل متحد نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر را تشخیص دهد و آن را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی بداند که آن را به طور جدی تهدید می‌کند. بنابراین توسل به زوری که شامل تهدید به زور و یا استفاده از زور بدون مجوز رسمی شورای امنیت باشد، نقض صریح منشور سازمان ملل محسوب می‌گردد ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد که توسل به قوای قهریه و اقدام زور گرایانه یک جانبه را در اعمال حق دفاع مشروع خواه به صورت فردی و یا دسته جمعی در مقابل حمله مسلحانه مجاز دانسته است. بنابراین اصل توسل به زور در روابط بین‌الملل در صورت نقض حاکمیت یا حقوق بشر توسط یکی از اعضای سازمان ملل را باید با حساسیت خاصی توسط سازمان ملل بکار گرفته شود تا موجب نقض حاکمیت و توسل یکجانبه استفاده از قدرت توسط کشورهای قویتر تلقی نشود.

واژگان کلیدی: مبانی توسل به زور، ممنوعیت توسل به زور، حقوق بین‌المللی، شورای امنیت،

منشور سازمان ملل

* گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

** گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران؛ استاد تمام گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mirabbasi@ut.ac.ir

*** گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران؛ استادیار گروه حقوق، واحد بوئین زهرا، قزوین،

ایران.

مقدمه

طرح نظریه منع توسل به زور پس از تأسیس سازمان ملل متحد را بیشتر باید به دلیل پیامدها و تجربیات تلخ دو جنگ جهانی اول و دوم به شمار آورد. در این خصوص و پس از تصویب منشور تساوی حاکمیت دولت‌ها (گذشته از بزرگی و یا کوچکی کشورها) بعنوان یکی از اصول و ارکان حقوقی جهانی مورد پذیرش قرار گرفت و کشورها متعهد شدند از تهدید یا استفاده از زور یا هر روش دیگری علیه تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورهای عضو خودداری نمایند. با این حال و علیرغم ممنوعیت توسل به زور براساس منشور، تحت شرایطی خاص استفاده از نیروی نظامی در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است که حق دفاع مشروع جمعی و فردی و اقدام شورای امنیت در صورت حمله تجاوزکارانه علیه یکی از اعضاء ملل متحد برای بازگرداندن صلح و آرامش به جامعه جهانی از آن جمله است. بر همین اساس دفاع مشروع جمعی و فردی و اقدام‌های شورای امنیت در قالب فصل هفتم منشور بوده و هرگونه اقدامی در خارج از چارچوب منشور ملل متحد و بدون مجوزهای لازم شورای امنیت را می‌توان در شمول اقدام‌های تجاوزکارانه کشورها محسوب نمود. اشاره منشور صرفاً در ارتباط با روابط بین کشورها و براساس روابط میان حاکمیت‌ها و دولت‌ها شکل گرفته است و البته همانطوری که اشاره شد، دورنمای این شکل‌گیری را بایستی در شرایط پس از جنگ جهانی دوم جستجو نمود.

بروز رویدادها و فجایع انسانی دهه‌های اخیر، چون نسل‌کشی کوزوو، آفریقای غربی، دارفور سودان و... ضمن جریحه‌دار نمودن احساسات، عواطف و وجدان جامعه جهانی، تبعات امنیتی چون هجوم آوارگان به مرزهای بین‌المللی را به همراه داشته، که خود از عوامل برهم زنده صلح و ثبات جهانی است. بدین ترتیب بایستی اذعان نمود که با وجود بروز فجایع انسانی در دهه‌های اخیر و تعلق ناشی از تصمیم‌گیری‌های به موقع شورای امنیت در به نتیجه رسیدن اقدامی خاص، کارایی نظام امنیت جمعی بطور واقعی زیر سؤال رفته است گرچه شاید بتوان گفت نظام امنیت جمعی در جلوگیری از بروز یک جنگ جهانی دیگر تاکنون موفق عمل نموده است.

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۲۱

۱-۱- مفهوم توسل به زور

توسل به زور، عمری به درازای تاریخ جوامع انسانی دارد و تحولات قابل توجهی را به خود دیده است. از آزادی اقدام به جنگ و حتی تقدیس آن، تا منع حقوقی. هر چند در نظام بین‌المللی معاصر و در عرصه روابط بین‌الملل، پدیده توسل به زور و خشونت وجود دارد و به نظر نمی‌رسد که در آینده نیز جامعه بین‌المللی از شر این مصیبت‌رهایی یابد. اصل منع توسل به زور بارزترین اصلی است که در حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان قاعده آمره شناخته می‌شود این اصل با مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل ارتباطی وسیع و تنگاتنگ دارد. جنگ و کاربرد زور که در ادوار گذشته و به لحاظ حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط بین‌الدول بوده است، امروزه به صورت عامل مخرب حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود. (رستمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۸)

در واقع اصل منع توسل به زور بارزترین اصلی است که در حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان قاعده آمره شناخته می‌شود این اصل با مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل ارتباطی وسیع و تنگاتنگ دارد. جنگ و کاربرد زور که در ادوار گذشته و به لحاظ حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط بین‌الدول بوده است، امروزه به صورت عامل مخرب حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود ولی از آنجا که مکاتب فلسفی دارای جنبه ثبوتی و دائمی می‌باشند، از این رو تحلیل تغییر نگاه حقوق بین‌الملل در حوزه توسل به زور از دوره‌ای به دوره دیگر ضروری می‌باشد. به هر رو، در طول تاریخ نویسندگان حقوق بین‌الملل در باب مسأله‌ی جنگ سه رویکرد متفاوت اتخاذ نموده‌اند. گروه نخست، استفاده از زور را به طور مطلق رد می‌کنند. دومین گروه، آن را بدون قید و شرط می‌پذیرند و گروه سوم، جنگ را وضعیتی غیرطبیعی و مضر می‌انگارند که در برخی شرایط، بلایی ضروری است. (رستمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱)

۱-۲- سابقه جواز توسل به زور

در خصوص کاربرد قدرت توسل به جنگ در مناسبات بین‌المللی دو نظریه یا دو رفتار کاملاً متفاوت وجود داشته است: یکی توسل به زور و دیگری منع توسل به زور. این دو روش در مقاطعی از زمان به عنوان رفتار یا نظریه غالب عملکرد کشورها قرار گرفته است. عصر باستان، دوران جنگ‌های وحشیانه، و اصل ابتدایی و قاعده اساسی در آن اقدام به جنگ بود، تا جایی که قراردادهای صلح در آن زمان تنها برای

۱۲۲....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

مدت زمان محدودی منعقد می‌گردید و هر از چند گاهی احتیاج به تمدید یا انعقاد با شرایط جدید داشت. از نظر تاریخی استفاده از زور و اقدام به مداخله در جهت حمایت از بشریت، البته نه در مفهوم امروزی، به قرون وسطی برمی‌گردد در آن زمان مداخله به عنوان اقدامی در جهت حمایت از مردم ستمدیده توسط مذهب کاتولیک مطرح شد و به مردم اجازه داد که برای نجات دیگران اقدام به مداخله نمایند. همچنین بعد از آن پیمان‌های دوجانبه یا چندجانبه‌ای در جهت حمایت از حقوق اقلیت‌ها منعقد گردید که عموماً مفاد این پیمان‌ها از این قرار بود که جمعی از دولت‌ها حق دارند در کشور دیگری که به حمایت از اقلیت ملتزم شده، ولی آن را رعایت نکرده‌اند، دخالت کنند. (کروبی، ۱۳۸۴: ۸)

تنها نظریه‌ای که توانست، به خصوص در قرون وسطی، توسل بی‌قید و شرط به زور را تا اندازه‌ای محدود کند، نظریه جنگ عادلانه یا مشروع بود که در آن زمان، اساساً دارای ریشه‌های مذهبی و ناشی از تفوق تفکرات نشأت گرفته از مکتب مدرسی محسوب می‌گردید. با عبور از قرون وسطی و ورود به عصر مدرن، در اواخر قرن هفدهم و به دنبال ظهور دولت-ملت‌های سرزمینی مبتنی بر ملیت و محدود به حوزه جغرافیایی خاص، اگرچه دیگر صلح به عنوان حالت پیش فرض روابط بین دولت‌ها شناخته می‌شود ولی باز هم هر دولتی صرفاً به دلیل داشتن توانایی، مجاز بود که مبادرت به جنگ نماید. در قرن نوزدهم رفتار عمومی کشورها بسیار نامشخص و مبهم بود؛ در این دوران اقدام به جنگ بر هیچ‌گونه توجیهی مبتنی نبود و صلاحیت مبادرت به آن کاملاً ارادی بود. (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱۱۱۶) در واقع در این دوره دولت‌هایی که از قدرت بیشتری برخوردار بودند به خود اجازه می‌دادند که با توسل به زور به اهداف خود برسد که نمود عینی آن در دو جنگ جهانی اول و دوم متبلور شد. میثاق جامعه ملل در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹، در کنفرانس صلح ورسای و برای جلوگیری از بروز جنگی دیگر تصویب شد. از زمان تصویب میثاق جامعه ملل و به دنبال آن، معاهدات لوکارنو و به ویژه میثاق بریان-کلوگ، حقوق موضوعه به سمت ممنوعیت و لااقل محدودیت توسل به زور متمایل شد. در سال ۱۹۲۸ میثاق بریان-کلوگ یا پیمان پاریس در زمینه منع توسل به زور و تحریم جنگ تدوین شد این پیمان عام نخستین سند در طول تاریخ بشری است که به طور مطلق توسل به جنگ را ممنوع می‌کند این پیمان ضمن شناسایی حق دفاع مشروع کشورها، تنها طریق مجاز برای حاصل اختلافات را توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز می‌داند. وقایع تلخی که در

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۲۳

سال‌های حیات جامعه ملل رخ داد و وقوع مناصماتی در منچوری، انیوپی، لهستان و در نهایت وقوع جنگ جهانی دوم ناکارآمدی اقدامات حقوقی صورت گرفته و نیز ضرورت پیش‌بینی چارچوب‌های حقوق مناسب‌تر را آشکار کرد از این رو پیش از پایان جنگ جهانی دوم جامعه بین‌الملل بار دیگر عزم خود را در جهت تأسیس سازمانی جهانی برای حفاظت و حراست از صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ‌های دیگر جرم کردند. (فیضی، ۱۳۹۳: ۳)

قاعده منع توسل به زور در منشور ملل متحد، هرگونه اقدام زورمدارانه در مناسبات بین‌المللی را در بر می‌گیرد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۱۵) در منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی و عام توسل به زور مدنظر قرار گرفته است. همچنین قاعده منع توسل به زور در این منشور هرگونه اقدام زورمدارانه در روابط بین‌المللی نظیر جنگ، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، محاصره دریایی یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات را در برمی‌گیرد. هر چند تمامی اعضای ملل متحد چه کوچک و چه بزرگ با یکدیگر برابرند و در روابط خویش باید از تهدید یا توسل به زور اجتناب ورزند اما در منشور دو مورد استثناء درج گردیده است که به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که از زور در روابط بین‌المللی استفاده نمایند. (ضیائی، ۱۳۸۸: ۵۳۷) جواز توسل به زور بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه پایانی قرن بیست و یکم چندان مطرح نبود اما با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و عدم توازن قدرت در روابط بین‌الملل موضوع مشروعیت توسل به زور مطرح و در چند مورد بکار گرفته شد. سازمان ملل به عنوان اولین نهاد بین‌المللی، مشروعیت توسل به زور را در مواردی پذیرفته است.

در اواخر قرن بیستم سازمان ملل مواردی از توسل به زور را تجویز کرد که نمونه بارز آن جنگ خلیج فارس است. مجوزهای پس از جنگ خلیج (فارس) نیز به تحدید مجوز اعاده شده از سوی شورای امنیت متمرکز شده‌اند. شورای امنیت هم در عملیات بوسنی و هم سومالی، به جای دستور موسع توسل به زور نظیر آن چه در قطعنامه‌های ۶۷۸ و ۸۳ صورت گرفته بود، سطح پایین‌تری که می‌بایست استفاده شود و اهداف آن را به صورت دقیق‌تر احصاء نمود. در مورد بوسنی، شورا نخست برای تجویز توسل به زور جهت تضمین کمک‌های بشردوستانه متعاقب تأمین و تضمین اجرای منطقه پرواز ممنوع و سپس حفاظت از مناطق امن، قطعنامه‌ای خاص را تصویب کرد. در سومالی، قطعنامه اولیه ۷۹۴، به دبیر کل و دولت‌های عضو «اجازه می‌دهد تا از کلیه طرق مقتضی برای ایجاد محیطی امن جهت عملیات امدادی بشردوستانه، استفاده نمایند. مجوز

۱۲۴....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

حاوی عبارت کلی مذکور، توسط دبیرکل که حامی خلع سلاح شورشیان سومالی بود، به صورت موسع ولی به وسیله ایالات متحده، مضیق‌تر تفسیر شد. قطعنامه ۸۱۴ شورای امنیت که در ۲۹ مارس ۱۹۹۲ حدود چهار ماه بعد تصویب شد، صراحتاً گسترش دستورالعمل آنوسوم یعنی نیروهای ملل متحد در سومالی را اجازه داد. براساس تجربه جنگ کره، جنگ خلیج فارس و حوادث پس از آن‌ها، در خصوص صدور و تفسیر قطعنامه‌های تجویزکننده توسل به زور، چندین مورد را باید یادآور شد:

اولاً قطعنامه‌ها باید اهدافی روشن، صریح و محدود را مقرر نمایند. آن‌ها باید از قیودی که به دولت‌ها قدرتی مبهم و کلی برای توسل به زور اعطا می‌کنند، خودداری ورزند. ثانیاً قطعنامه‌های باید یا به وسیله پیش‌بینی مدت زمانی قابل تمدید و یا قید لزوم تصمیم‌گیری شورا در خصوص تحقق یا عدم تحقق اهداف، از نظر زمانی محدود باشد. نهایتاً قطعنامه‌های تجویزکننده (توسل به زور) باید به صورت مضیق تفسیر شوند تا هم خشونت را به حداقل ممکن برسانند و هم تضمین نمایند که شورای امنیت از استثنایی بودن توسل به زور (بر اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی) حمایت می‌نماید. (لوبل و رانتر، ترجمه تیلا، ۱۳۹۲: ۷)

۱-۳- تهدید به زور

تهدید به زور را می‌توان، اعلام صریح یا ضمنی توسل به زور مسلحانه غیر قانونی آتی و علیه دولت دیگر تعریف نمود که تحقق آن بسته به اراده تهدیدکننده است. گرچه تشخیص تهدیدات صریح مانند اتمام حجت آسان است، اما احراز ماهیت واقعی اعلامیه‌های دو پهلو و حتی برخی اقدامات، مشکل است. نمایش قدرت از قبیل مانورهای نظامی یا تجمع نیروها در مرز، می‌تواند آمادگی تجاوز، تهدید به زور یا یک اقدام کاملاً قانونی باشد. (قاسمی، چهارپخش، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

تهدید توسل به زور در هیچ‌جا منشور ملل متحد تعریف نشده است. مطالعه «کارهای مقدماتی» طراحان منشور نیز در این خصوص مفید نخواهد بود فرهنگ حقوقی آکسفورد، تهدید را ابراز قصد صدمه زدن به فردی با هدف وادار کردن وی به انجام کاری، تعریف می‌نماید (Martin & Law, ۲۰۰۶, P ۵۳۵)

براساس تعاریف مذکور، یک تهدید دلالت بر وجود تقاضایی از سوی طرف تهدیدکننده دارد. در بیشتر موارد، تهدید به صدمه زدن به عنوان یک بدیل مطرح می‌شود که مخاطب یا آن را تحمل نماید یا تقاضای دولت دیگر را قبول کند. در چنین وضعیتی،

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۲۵

دولت هدف اینگونه استنباط می‌کند که در صورت عملی شدن تهدید با لطمه شدیدتری در مقایسه با قبول تقاضای دولت تهدیدکننده، مواجه خواهد شد. از این منظر، باید میان «تهدید باز دارنده و تهدید مجبورکننده تفاوت قایل شویم. هدف تهدید بازدارنده، وادار کردن دولت هدف به عدم انجام کاری است از قبیل عدم مقاومت نظامی در برابر یک حمله یا عدم عضویت در یک پیمان (ترک فعل)، حال آنکه هدف تهدید مجبورکننده، وادار کردن به انجام اقدام خاص است مانند واگذاری یک سرزمین، ملحق شدن به معاهده‌ای خاص یا بازنگری قانون اساسی. (Blechman & Wittes, ۱۹۹۹: ۱۹)

از این روی، تهدید به زور مذکور در ماده ۲(۴) منشور را می‌توان اینگونه تعریف نمود: وعده صریح یا ضمنی در مورد توسل به زور مسلحانه غیر قانونی در آینده و علیه یک یا چند دولت که تحقق آن به اراده تهدیدکننده بستگی دارد. با توجه به آستانه پایین ماده ۲ در مورد تهدید به زور، هرگونه گفتار یا رفتاری که در چارچوب تعریف مذکور قرار گیرد، غیر قانونی می‌باشد، خواه به هدف مورد نظر دست یابد یا توسل به زور را به دنبال داشته باشد. تعریف مذکور، نیازمند تبیین است. تحقق تهدید باید به اراده تهدیدکننده بستگی داشته باشد، بدین معنی است که عملی شدن یا نشدن آن با اراده تهدیدکننده می‌باشد. (قاسمی، چهارپخش، ۱۳۹۰: ۱۳۷)

همچنین، تحقق احتمالی تهدید مربوط به آینده است. اگر تهدید قبلاً عملی شده باشد، دیگر تهدید نیست، بلکه توسل بالفعل به زور است. توسل به زور مورد اشاره در تهدید نیز باید غیرقانونی باشد «دینشتاین» متذکر می‌شود. چنانچه دولتی آمادگی خود را جهت توسل به زور مطابق با منشور ملل متحد اعلام نماید، تهدید غیرقانونی محسوب نمی‌گردد بلکه هشدار می‌شود (Dinstein, ۲۰۰۵: ۸۶).

بنابراین می‌توان جنبه‌های غیرقانونی و غیرمشروع منع توسل به زور را مبنایی برای قانونگذاری در اسناد بین‌المللی برای ممانعت از توسل به زور دانست.

۱-۴- ابعاد توسل به زور

براساس اصل عدم مداخله و منع توسل به زور که جزء اصول اساسی حقوق بین‌الملل می‌باشد، هیچ کشوری حق ندارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم، با استفاده از نیروهای مسلح و یا بدون استفاده از آن، از نیروی مخالف داخلی یک کشور دیگر حمایت کند. دیوان در دعوای نیکاراگوا علیه ایالات متحده آمریکا به این اصل استناد کرده بود. در دعوای کنگو- اوگاندا نیز ضمن اشاره به این رأی و با استناد به دلایل و

۱۲۶....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

شواهد انکارناپذیر، مسئولیت اوگاندا را به دلیل نقض این اصل مهم حقوق بین‌الملل احراز کرد. روی دیگر سکه نقض اصل منع توسل به زور احراز تحقق جنایت تجاوز می‌باشد. بنابراین، دیوان به طور ضمنی متجاوز بودن دولت اوگاندا را اعلان کرد. از آنجا که نیروهای اوگاندا برای مدت طولانی بخش‌هایی از سرزمین کنگو را در کنترل خود داشت و بر آن صلاحیت موثر اعمال می‌کرد، دیوان نتیجه گرفت نیروهای اوگاندا نیروهای اشغالگر می‌باشد.

تهدید یا توسل به زور بعنوان ایجاد کننده "نقض حقوق بین‌الملل" است که نباید هرگز بعنوان وسیله حل و فصل مسائل بین‌المللی لحاظ شود. "اعلامیه مذکور به کرات اصطلاح "جنگ تجاوزکارانه" را بعنوان یک "جرم علیه بشریت" بکار می‌برد. کلیه تبلیغات به نفع جنگ‌های تجاوزکارانه "نیز" کلیه تدابیر قهری‌ای که ملت‌ها را از حق تعیین سرنوشتشان و آزادی و استقلالشان محروم می‌سازد ممنوع شده است. در سومین بخش این اعلامیه که به اصل عدم مداخله اختصاص یافته، تصریح شده است که: "استفاده از زور برای محروم کردن ملت‌ها از هویت ملی‌شان ناقض حقوق غیرقابل انتقالشان و اصل عدم مداخله است." "دولت‌ها باید از سازماندهی، کمک، دامن زدن، تامین مالی، تشویق یا اغماض از فعالیت‌های مسلحانه مخرب یا تروریستی خودداری کنند" هنگامی که این فعالیت‌ها متضمن تهدید یا استفاده از زور باشد. این اعلامیه که به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد سازمان ملل تصویب شده، عموماً بعنوان یک تفسیر مجاز لحاظ شده است. معذالک، برخی از مسائل همچنان مطرح است برخی از این قیود بر ابهامات ماده ۲ بند ۴ اضافه می‌کند تا اینکه آن‌ها را محو سازد (مختاری، ۱۳۹۴: ۴).

قطعنامه‌های متعدد دیگری از مجمع عمومی، دامنه مبحث تهدید یا کاربرد زور را گسترش می‌دهند. در این زمینه می‌توان قطعنامه راجع به عوامل بنیادین صلح (۱۹۴۹)، اعلامیه راجع به عدم پذیرش مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آن‌ها (۱۹۶۶)، تعریف تجاوز (۱۹۷۴) و اعلامیه راجع به عدم توسل به زور (۱۹۸۷) را ذکر نمود. البته اینها همان اقتدار اعلامیه ۱۹۶۰ مربوط به استعمار زدایی و اعلامیه ۱۹۷۰ راجع به روابط مودت‌آمیز را ندارند.

نگرشی اجمالی به مسائل اساسی و اولیه حقوق جنگ به ما نشان داد که جنگ یکی از نمودهای عمده «توسل به زور» در مناسبات بین‌المللی است که می‌توان آن را از نظر حقوقی بین‌الملل چنین تعریف کرد: جنگ اعمال قدرت مسلحانه کشورها علیه یکدیگر

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۲۷

می‌باشد که مشروط به اعلام صریح قبلی آن‌ها است و هدف از آن معمولاً تحمیل اراده مهاجم در جهت منافع و مصالح ملی است. هر چند در خصوص ضرورت وجودی حقوق جنگ، میان دانشمندان اختلاف نظر شدیدی وجود دارد، ولی پدیده جنگ را به عنوان یک «واقعه» در عرصه بین‌المللی بایستی در نظر داشت و با کمک قواعد حقوقی آن را تحت نظم درآورد تا شاید بتوان از این طریق از شدت خطرات و لطمات ناشی از آن کاست. گرچه قواعد مربوط به حقوق جنگ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نکرده است. (میوه بان، ۱۳۹۷: ۲۲۵)

امروزه روش‌های جدیدی از توسل به زور در روابط بین‌الملل مطرح شده است به عنوان مثال استفاده از حملات سایبری به کشور دیگر نوعی از توسل به زور است. فعالیت‌های مزبور می‌تواند در برخی شرایط موجب مفهوم توسل به زور مندر در منشور ملل متحد و عرف بین‌المللی باشد. اینگونه فعالیت‌ها اگر به مرگ، صدمه یا خسارت جدی منجر شوند، می‌توانند به عنوان توسل به زور قلمداد شوند. البته در این خصوص باید چند عامل مورد توجه و مطمح نظر قرار گیرند: نخست زمینه حادثه‌ای که به خسارات مورد اشاره منجر می‌شود، عاملی که مرتکب این اقدام می‌شود (برای مسئله چالش برانگیز انتساب عمل) هدف و محل، قصد و اثرات و موارد احتمالی دیگر. از طرفی مثال‌های مشترکی که برای فعالیت سایبری منجر به توسل به زور می‌شود عبارت‌اند از:

عملیاتی که تأسیسات هسته‌ای را در یک بحران قرار می‌دهند عملیاتی که منجر به باز شدن یک سد روی جمعیت انسانی و متعاقباً آسیب جانی به همراه داشته باشد. عملیاتی که به اخلال در ترافیک هوایی منجر شود و در نتیجه، تصادمات هوایی را در پی داشته باشد. در واقع، اگر آثار فیزیکی ناشی از یک حمله سایبری همانند رها کردن یک بمب یا شلیک یک موشک باشد، حمله سایبری مزبور نیز باید به عنوان توسل به زور ارزیابی شود. (جلالی، رضائی، ۱۳۹۷: ۶۹۸)

علیرغم اینکه مستثنیای اصل منع توسل به زور به صراحت در منشور مشخص شده است؛ ولیکن این نکته را نمی‌توان از نظر دور کرد که، از جمله اهداف ایجاد منشور ملل متحد انجام همکاری‌های بین‌المللی در جهت حل مسائل جهانی است که این مسائل می‌تواند شامل جنبه‌های امنیتی، سیاسی یا بشر دوستانه باشد. احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی او فارغ از تمایزات نژادی، جنسی، زبانی، مذهبی، از جمله مواردی است که در ارتباط با حفظ صلح و امنیت جهانی و ایجاد روابط دوستانه

۱۲۸....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

بین حکومت‌ها و دولت‌ها مورد توجه تدوین کنندگان منشور قرار گرفته است. با این وجود برخی از حکومت‌ها این موضوع را بعنوان موضوعی داخلی و درون حکومتی و در حدود صلاحیت داخلی خود قلمداد نموده و هرگونه اظهارنظر در خصوص نقض تعهدات حقوق بشری خود را مداخله در امور داخلی‌شان محسوب می‌نمایند (کرایبی، ۱۳۹۲: ۱۲).

امروزه چالش اصلی، عبارت از پاسخگویی به آنچه که امروزه بعنوان بازار ارزیابی کاربرد زور در روابط بین‌المللی پدیدار شده، در مقابله با گرایش تسامح انگارانه نسبت به سیستم منشور به نفع اقدام یکجانبه است. فراخوان‌های متعددی جهت انجام اقدامی "قویتر" در مراحل اولیه یک مخاصمه، ضمن کاربرد زور و کاهش تمایز میان حفظ صلح و تحمیل صلح، بعمل می‌آید

بنابراین روش‌های توسل به زور از نظر ماهیت و شکل متنوع است و کشورهای مختلف تفسیر متفاوت از قاعده توسل به زور می‌کنند اما منشور سازمان ملل هرگونه توسل به زور را نفی کرده است.

۱-۵- موارد جواز توسل به زور

منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ تصریح دارد: کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از کاربرد یا تهدید به کاربرد زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر و نیز از هر عملی که به نحوی از انحاء مغایر با اهداف ملل متحد باشد، خودداری خواهند کرد. تنها استثناءهای وارده بر این قاعده قراردادی موجود در منشور نیز در خود معاهده پیش‌بینی شده تحت مواد ۴۲ و ۵۳ منشور، شورای امنیت اجازه دارد در موارد خاص و با شرایط مشخص، استفاده از نیروی نظامی علیه یک دولت را به عنوان ابزاری در جهت استقرار صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار دهد مورد استثناء دیگر نیز، ماده ۵۱ منشور است: در صورت وقوع یک حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. بنابراین در منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی و عام توسل به زور مدنظر قرار گرفته است. همچنین قاعده منع توسل به زور در این منشور هرگونه اقدام زورمدارانه در

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۲۹

روابط بین‌المللی نظیر جنگ، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، محاصره دریایی یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات را در برمی‌گیرد. هر چند تمامی اعضای ملل متحد چه کوچک و چه بزرگ با یکدیگر برابرند و در روابط خویش باید از تهدید یا توسل به زور اجتناب ورزند اما در منشور دو مورد استثناء درج گردیده است که به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که از زور در روابط بین‌المللی استفاده نمایند:

۱. در اجرای حق دفاع از خود. در این راستا در ماده ۵۱ منشور آمده است:

در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام‌های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه به طور فردی و خواه دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد

۲. اقدامات شورای امنیت براساس اختیارات واگذار شده در ماده ۲۴ و ۲۵ و فصل هفتم منشور ملل متحد در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی. (ضیائی، ۱۳۹۵: ۵۳۷)

این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.

دولت‌ها صرفاً با رعایت شرایط مندرج در ماده ۵۱ منشور می‌توانند در مقام دفاع مشروع استثنایی بر بند ۴ ماده در نظر بگیرند با ممنوعیت کلی تهدید و توسل به زور، و مستثنی شدن دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه دیگری باید حتماً با مجوز شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور باشد. اما در سال‌ها و دهه‌های پس از تشکیل سازمان ملل متحد، عملکرد حداقل برخی دولت‌های عضو این سازمان بدین سمت بوده که توسل به زور در مواردی مانند دفاع پیشدستانه^۱، دفاع پیشگیرانه^۲ و مسئولیت حمایت^۳ را نیز در زمره مستثنیات بر قاعده ممنوعیت توسل به زور و بی‌نیاز از کسب مجوز شورای امنیت قلمداد نمایند. به نظر می‌رسد نقطه اصلی در موضوع دفاع پیشگیرانه، اعلام رسمی اتخاذ این سیاست توسط دولت آمریکا و سپس اجرای عملی آن در گسترده‌ترین شکل ممکن در دو جنگ تمام عیار بود که هر دو به سرنگونی دولت

۱. Preventive Self-defense

۲. Pre-emptive Self-defense

۳. Responsibility to Protect

۱۳۰....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

حاکم در کشور مورد حمله انجامید و در یکی از آن‌ها، اشغال کامل کشور توسط نیروهای آمریکایی را به دنبال داشت. (ممتاز، صابری، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

در این زمینه دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در مورد سلاح‌های هسته‌ای، قانونی بودن تهدید را به قانونی بودن توسل به زور در شرایط یکسان، مرتبط دانست (۴۷، Para، ۱۹۹۶، Nuclear Weapons) بر این اساس، هشدار دولت قربانی حمله مسلحانه مبنی بر اینکه به واکنش دفاعی قهرآمیز دست خواهد زد، نقض ماده ۲(۴) منشور تلقی نخواهد شد. (قاسمی، چهارپنخس، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

۱-۶- مرجع صدور جواز توسل به زور

ممنوعیت توسل به زور بدون تردید یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بوده که با تحول حقوق بین‌الملل عمومی معاصر بر آن صحنه گزارده شده و قویا توسط منشور تاکید شده است.

این اصل در جایگاه نخست از میان هفت اصل اعلام شده توسط اعلامیه مربوط به اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط مودت‌آمیز و همکاری میان دولت‌ها مندرج در قطعنامه ۲۶۲۵ (۲۴ اکتبر ۱۹۷۰) قرار دارد و در معرض استنادهای فراوانی در معاهدات بین‌المللی و تصمیمات قضایی بین‌المللی و موضع‌گیری‌های دولت‌ها قرار گرفته است. بنابراین و با توجه به این شرایط، شگفت‌انگیز نیست که ممنوعیت توسل به زور طبیعتا بعنوان یک قاعده آمره^۱ پدیدار شود. (SCHRIJVER، ۴، ۲۰۰۵)

با استناد به مواد منشور به نظر می‌رسد که هیچ یک از دولت‌های عضو حق استفاده از زور را ندارند و مرجع صدور جواز توسل به زور سازمان ملل و شورای امنیت است که با نظر اکثریت اعضا این امکان را در شرایط خاص می‌دهد.

۱-۷- مصادیق توسل به زور

وقتی که زور باید برای مقابله با تهدیدی خاص علیه صلح استفاده شود، به ویژه در جهانی که آکنده از بازیگر خطرناک و بدخواه می‌باشد، تشخیص این امر ممکن است دشوار باشد. اغلب (وجود) شری واقعی یا فرضی، تمایل شدید ما به حمایت از اقدام قهری را سبب خواهد شد. با وجود این، خطرات مربوط به جنگ - اینکه قدرت‌های

۱. Jus cogens

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۳۱

بزرگ می‌توانند از نگرانی‌های بشردوستانه برای پوشش دادن به منافع ژئوپلیتیک خود استفاده نمایند، اینکه حمله‌های هوایی عمده نظیر آن چه در سال ۱۹۹۸ عراق و صربستان را تهدید کرد، آثاری جدی بر مرگ انسان‌ها دارد و موجب بی‌ثباتی می‌شود، اینکه جنگ در مواردی محدود «به عنوان روش حل مسایل پیچیده، پایدار و اساسی عمل می‌کند، اینکه نظم جهانی که توسل فردی دولت‌ها یا اتحادی از دولت‌ها به زور تهاجمی را اجازه می‌دهد ممکن است سبب بی‌نظمی و هرج و مرج شود - این خطرات مؤید آنند که زور باید به عنوان آخرین راه‌حل و براساس تصمیم رکنی جهانی مورد استفاده قرار گیرد. این اصل که در منشور ملل متحد جایگاه مسلم یافته و توصیف شده است، مفید این معناست که شورای امنیت باید صراحتاً موارد توسل به زور غیرمستند به ماده ۵۱ منشور را تصویب نماید.

در طول جنگ سرد، بسیاری ادعا کردند که شورای امنیت قادر نیست مسئولیت اولیه و اصولی خویش در تضمین (صلح و) امنیت بین‌المللی را ایفا نماید. پایان جنگ سرد و مقابله با تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۱، به عنوان احیای نقش شورا در امنیت جمعی تلقی گردید. حوادثی متعدد در دهه ۱۹۹۰ این خوف را به دنبال داشته که سازمان ملل متحد با موضع ایالات متحده در توسل به زور رضایت ضمنی داشته باشد. گاهی این خوف‌ها به انتقاداتی بر مجوزهای صریح ملل متحد برای توسل به زور به عنوان اقدامی نامشروع، غیرعقلایی یا صرفاً موجد پوششی چند جانبه برای اقدامی یک سویه و یکجانبه منتهی شد. گاهی دیگر منتقدین ادعا کردند که اقدام قهری به نام ملل متحد اتخاذ می‌شود در حالی که شورای امنیت واقعاً آن را تجویز ننموده است. (لوبل و رانر، ترجمه تیلا، ۱۳۹۲: ۸)

یکی از مصادیق توسل به زور تحریم اقتصادی است. تحریم بین‌المللی یکی از کارآمدترین روش‌های الزام دولت مورد تحریم به انجام منویات جامعه بین‌المللی یا دولت تحریم‌کننده است. صرف‌نظر از اینکه این تحریم‌ها در مواقعی با زیاده‌خواهی و مطالبات سیاسی تعداد اندکی از دولت‌ها همراه می‌شود، تحریم به عنوان ابزاری برای تشویق دولت‌ها به انجام تعهدات سازمانی خود در سازمان‌های بین‌المللی مهمی نظیر سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی شده است. تاریخ روابط بین‌الملل نشان داده تحریم‌های سنتی دولت مورد تحریم را کاملاً تحت فشار قرار نمی‌دهد بلکه موجب فشار به شهروندان و گروه‌های غیردولتی می‌شود. برای جلوگیری از این آسیب، مفهوم «تحریم هوشمند» ابداع شد که

۱۳۲....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

طبق آن، تحریم، صرفاً بر موضوع تحریم اعمال می‌شود و فشار بر شهروندان عادی کاهش می‌یابد. (ضیایی، محمدی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۴۶) در حقوق بین‌الملل، هدف از تحریم، الزام دولت متخلف به رعایت تعهدات بین‌المللی است. به همین دلیل، این هدف جز از طریق تحریم سازوکارهای دولتی ممکن نیست. تحریم دولت، اشکال مختلف نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، ارتباطی و غیره دارد که تحریم‌های اقتصادی، پرکاربردترین آن‌هاست. تحریم اشخاص حقیقی از سوی سازمان ملل با تحریم سایر سازمان‌های بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا و دولت‌ها نظیر آمریکا و انگلستان همراه بوده است. (ضیایی، محمدی مطلق، پیشین: ۱۴۹) از طرف دیگر استفاده برخی دولت‌ها از تحریم اقتصادی، بدون وجود مجوز قبلی شورای امنیت و خارج از سیستم امنیت جمعی منشور، باعث گردیده تا مشروعیت این اقدامات از حیث انطباق آن‌ها با موازین حقوقی بین‌المللی با شک و تردید همراه باشد. عدم توجه به آثار زیانبار تحریم‌ها بر وضعیت کلی حقوق بشر در کشور هدف، نه تنها مشروعیت این اقدامات را از بین می‌برد، بلکه مسئولیت دولت یا دولت‌های تحریم‌کننده را نیز به موجب حقوق بین‌الملل دامن می‌زند. (جاوید، ۱۳۹۳: ۱۰۵) بنابراین تحریم به هر شکل آن، به صورت تحریم دولت‌ها یا افراد حقوقی به عنوان یک ابزاری برای توسل به زور بکار گرفته می‌شود تا رفتار تحریم‌شوندگان تغییر یابد.

۱-۸- تدوین و تفسیر مجوزهای توسل به زور (شورای امنیت)

در راستای اعطای مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد و مقابله با عوامل تهدیدکننده صلح، ناقض صلح و اعمال تجاوزکارانه ماده ۳۹ منشور اختیاراتی اعم از توسل به اقدامات غیر نظامی و نظامی (مواد ۴۱ و ۴۲ منشور) به شورا اعطا شد. اگر چه بروز جنگ سرد (۱۹۹۰-۱۹۵۰) و تقابل سیاسی دو ابرقدرت جهان، موجب شد که شورای امنیت علاوه بر عدم توفیق در برخورداری از نیروهای بین‌المللی (ماده ۴۳ منشور) نتواند از توسل به نیروهای نظامی ملی جهت اقدام، استفاده چندانی نماید. اما فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد در اوایل دهه ۱۹۹۰ که با ایجاد بحران‌های بین‌المللی جدید همچون جنگ‌های داخلی، شورش‌ها، کشتار جمعی و پاکسازی نژادی، قتل و غارت و غیره در داخل کشورها همراه بود. شورا را بر آن داشت که تا با تلقی نقض فاحش و گسترده حقوق بشر به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی براساس اختیارات خود در

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۳۳

قالب فصل هفتم منشور اقداماتی را انجام دهد. به عبارت دیگر تعارض و تقابل که به مدت چند دهه استفاده حداقلی از فصل هفتم منشور را باعث شده بود از میان رفته، و فرصت‌های جدیدی که از این طریق برای همکاران میان اعضاء دائم شورای امنیت پیش آمده بود به شورا این امکان را داد تا خود را با اقتضائات جدید وفق دهد. با این اقدامات شورای امنیت ثابت کرد که دیگر نباید غفلت کرد و در مقابل نقض‌های بنیادین حقوق انسان‌ها آن هم به طور مداوم و گسترده در حین این مخاصمات کاری نکرد. (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۴: ۲۰۷)

جنبه دیگر رویه دولت‌ها، توجیحات حقوقی تهدیدکنندگان، اعتراضات دولت‌های مخاطب تهدید و طرز تلقی دولت‌های ثالث است. محکومیت تهدید توسط دولت‌های قربانی و دولت‌های ثالث هنگامی رخ می‌دهد که فاصله زمانی قابل توجهی بین تهدید و توسل به زور وجود داشته باشد یا تهدید توسل به زور در نهایت تحقق نیابد. طی دوره جنگ سرد، ایالات متحد آمریکا و متحدانش علیه برخی اعلامیه‌های تهدیدآمیز شوروی (سابق) که تهدید توسل به زور می‌نمودند، اعتراض می‌کردند و تاکید می‌نمودند که مشکلات و اختلافات بین‌المللی نباید از طریق توسل یا تهدید به زور حل و فصل شوند، بلکه باید به طرق مسالمت‌آمیز و مذاکره فیصله یابند. (قاسمی، چهاربخش ۱۳۹۰، ۱۴۲)

منشور ملل متحد مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت سپرده است (ماده ۲۴). بدین منظور، شورا اختیار توصیه کردن یا حکم کردن در زمینه به اجراگذاری نیروی نظامی در صورت نیاز بعنوان چاره‌نهایی در جهت تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوز را دارد. ماده مذکور و همچنین ماده ۳۹ ("... توصیه‌هایی می‌کند یا تصمیم می‌گیرد چه تدابیری اتخاذ خواهد شد. (و ماده ۴۲ می‌تواند مبادرت کند ... به هر اقدامی که ضروری تشخیص دهد") صراحتاً یک اختیار نامحدود و بدون قید و شرط^۱ به شورای امنیت تفویض کرده است با وجود این، به دلیل عدم توافق میان اعضای دایم شورا در طول جنگ سرد، شورای امنیت نتوانست این اختیارات را به مدت چند دهه اعمال کند و جز بطور استثنایی نتوانست به اختیارات الزام‌آورش متوسل گردد. نخستین جمله ماده ۴۲ یک اقدام الزامی تحت توصیه شورای امنیت پیش‌بینی می‌کند. بدین منظور ماده ۴۳ نیز انعقاد موافقت‌نامه‌های ویژه‌ای را

۱. pouvoir discrétionnaire

۱۳۴....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

پیش‌بینی می‌کند که بوسیله آن‌ها دولت‌های عضو، نیروی مسلح در اختیار شورا قرار می‌دهند. اما تاکنون موافقت‌نامه‌های ویژه‌ای در این خصوص منعقد نشده‌اند. دومین جمله ماده مذکور، راه را بر تجویز عملیات نظامی توسط شورا، هدایت شده بوسیله دولت‌های عضو، می‌گشاید و سرانجام، منشور در ماده ۵۱ شرایط اجرای "حق طبیعی دفاع مشروع، فردی یا جمعی" را در فرض یک "تجاوز نظامی" تصریح می‌کند معذالک، این حق فقط "تا هنگامی که شورای امنیت تدابیر ضروری برای حفظ صلح و امنیت را اتخاذ کند"، به رسمیت شناخته است. وانگهی ماده ۵۱ ملزم می‌کند بلافاصله این تدابیر به اطلاع شورای امنیت رسانده شود و این اختیار را برای شورای امنیت حفظ می‌کند که هر لحظه دست به اقدام بزند به ویژه با اتخاذ تدابیری که در چهارچوب مسئولیت اصلی اش برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی تحمیل می‌شود. این تدابیر در واقع اجرای حق دفاع مشروع را تعلیق می‌کنند. آیا در چهارچوب منشور ملل متحد استثنائات دیگری وجود دارد؟ در ابتدا باید به قطعنامه "اتحاد برای صلح" استناد کرد: آیینی که در سال ۱۹۵۰ بعنوان پاسخ به فلج شدگی شورای امنیت در انجام وظایفش، توسط مجمع عمومی تصویب گردید. (شریچور، ترجمه مختاری امین، ۱۳۹۵: ۵)

با وجود این، در توزیع صلاحیت‌ها بوسیله مواد ۱۱ تا ۱۴ منشور، میان مجمع عمومی و شورای امنیت، به مجمع عمومی اختیار توصیه توسط به تدابیر نظامی در صورت نقض صلح و عمل تجاوز در مواردی که شورای امنیت به دلیل انشقاق، ناتوان از اجرای مسئولیت‌هایش بوده، اختصاص داده شده است. این جنبه از قطعنامه "اتحاد برای صلح" چندان مورد استناد واقع نشده و بنظر می‌رسد فاقد مبنای حقوقی مستحکمی باشد. اتحاد شوروی سابق در آن عصر گفته بود که: "قضیه بیشتر عبارت است از تفرقه برای جنگ تا اتحاد برای صلح". شورای امنیت به منظور مدیریت نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر براساس سازوکارهای تعریف شده از استفاده از زور، اعمال تحریم‌ها، عملیات حفظ صلح یا ارجاع به دیوان کیفری بین‌المللی استفاده می‌کند. چهار محور اصلی عبارتند از:

الف استفاده از زور: اگر به اختیارات حقوقی بالقوه که در برگیرنده فصل هفتم منشور است نگاهی بیاندازیم متوجه خواهیم شد شورای امنیت به خودی خود فاقد استقلال است؛ یعنی باید بر قدرت‌های دیگری که آن را شکل می‌دهند به عنوان بازوهای اجرایی مبتنی باشد و بنابراین در راستای اراده سیاسی و تفاهمی که شکل می‌گیرد حرکت کند. برای نمونه، وقتی در سال ۲۰۱۰ «لورن باگبو» رییس جمهور وقت

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۳۵

ساحل عاج نتایج انتخابات آزاد را رد کرد و خشونت‌ها بالا گرفت، شورای امنیت با هدایت فرانسه سعی در مدیریت اوضاع نمود. شورای امنیت نخست با دیپلماسی و حفظ صلح وارد عمل شد و در انتها اقدام‌های جدی از جمله استفاده از نیروهای حافظ صلح جامعه اقتصادی آفریقای غربی و نیروهای نظامی فرانسه را در دستور کار قرار داد. اما در واقعیت، شورای امنیت نتوانست به نحو موثری در حمایت از شهروندان و حملات سیستماتیک نیروهای باگبو عمل کند. ب - اعمال تحریم‌ها: برخی از فعالیت‌های اجرایی شورای امنیت غیرنظامی و براعمال تحریم‌های متعدد مبتنی است. البته، شورای امنیت پس از تحریم‌های همه جانبه علیه رژیم صدام که به گزارش یونسف و صلیب سرخ جهانی مصائب زیادی را بر شهروندان عراقی تحمیل کرد، تلاش می‌کند جانب احتیاط را رعایت کند تا در اعمال تحریم‌ها کمترین آسیب به شهروندان برسد. در واقع، شورای امنیت در مسیر اعمال تحریم‌ها نباید خود از اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشر تخطی کند (Fassbender, ۲۰۱۱, ۷۵).

بنابراین شورای امنیت از تحریم‌های هدفمند و هوشمندانه استفاده کرد تا صرفاً افراد و نهادهای دخیل در نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر را مجازات کند. اگرچه اعمال این تحریم‌ها نسبت به کنگو، صربستان، سیرالئون، سودان و لیبیا به تغییرات عمده منتهی نشد اما دست کم نگرانی‌های بین‌المللی از نقض حقوق بین‌الملل بشر را نشان داد. آنچه می‌توان گفت این است که اعمال تحریم‌ها جایگاهی بین مذاکرات دیپلماتیک و اقدام‌های نظامی دارد. بنابراین، اعمال تحریم‌ها جذابیت بیشتری برای اعضای دائم شورای امنیت دارد زیرا توافق بر عملیات نظامی و مشروعیت آن قدری دشوار است. ج - عملیات حفظ صلح ملل متحد: طی دهه گذشته، عملیات حفظ صلح به مهمترین ابزار صلح و امنیت سازمان ملل متحد تبدیل شده است. در برخی موارد شورای امنیت عملیات حفظ صلح موضوع فصل ششم منشور ملل متحد را پیاده می‌کند. اگرچه این امر بیشتر برگرفته از خلاقیت دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی و نه پیش‌بینی منشور بوده است. البته استفاده از نیروهای حافظ صلح سازمان به طور اصولی، عدم عزم سیاسی بر مداخله مستقیم شورای امنیت در موارد نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر را نشان می‌دهد. برای نمونه، نسل‌کشی در دارفور سودان به رغم حضور نیروهای حافظ صلح ادامه داشت و گزارش‌های متعدد در این خصوص به هیچ وجه شورای امنیت را به انجام اقدام‌هایی ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد مجاب نکرد

۱۳۶....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

بنابراین، نیروهای حافظ صلح نه تنها کارکرد امنیتی دارند بلکه حاکمیت خوب را تقویت می‌کنند، حقوق بین‌الملل بشر را ترویج می‌دهند، کمک‌های بشردوستانه را بهبود می‌بخشند، بر روند خلع سلاح نظارت و زمینه را برای گفتگوی ملی یا سازش فراهم می‌کنند. (Einsiedel, ۲۰۱۵: ۱۱) د- دیوان کیفری بین‌المللی: به نظر می‌رسد، به دلیل ناتوانی در پاسخی مناسب به وضعیت دارفور، شورای امنیت بر حقوق کیفری بین‌المللی تأکید نمود. در سال ۲۰۰۵ میلادی، شورای امنیت تصویب کرد که وضعیت سودان غربی باید به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شود. استفاده از حقوق کیفری بین‌المللی ابزار دیگری است که شورای امنیت در موارد نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر از آن استفاده می‌کند. بدین منظور، شورای امنیت از محاکم موقت مانند دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا، تاسیس محاکم جنایی اختصاصی مانند سیرالئون و لبنان استفاده می‌کند یا این مسائل را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع می‌دهد. ارجاع به دیوان براساس اساسنامه آن است. (Forsythe, ۲۰۱۲: ۹-۱۰)

شورای امنیت به نمایندگی از کلیه اعضای سازمان ملل متحد، متعهد به حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است. از آنجا که اعضای دایم شورای امنیت با توجه به توانایی‌های مالی و نظامی خود می‌توانستند هر منطقه‌ای را به آشوب بکشند، حق و تو در نظر این امکان را می‌دهد که دست کم از بروز این فجایع جلوگیری شود. (شافع، دولا، ۱۳۹۵: ۲۶۳)

به نظر می‌رسد مجوزهایی که شورای امنیت صادر می‌کند باید با توافق همه اعضا و به عنوان آخرین راه‌حل برای بحران‌های ناقض حقوق بشر مانند جنگ یا نسل‌کشی صادر گردد. اگرچه عده‌ای معتقدند تصمیمات شورای امنیت بر اثر فشار قدرت‌های بزرگ بر علیه کشورهای کوچکتر اتخاذ می‌شود و این امر مشروعیت این تصمیمات را زیر سوال می‌برد.

نتیجه‌گیری

ممنوعیت توسل یک جانبه به زور توسط دولت‌ها در بند (۴) ماده ۲ منشور ملل متحد چنین بیان شده است: کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با شیوه‌های مسالمت‌آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد حل و فصل خواهند کرد. این قاعده به عنوان قاعده آمره برای همه کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجراست. و بر همین مبنا هیچ کشوری حق تعرض به حاکمیت و تمامیت

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۳۷

ارضی سایر کشورها را ندارد صرفنظر از اهمیت ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد که توسل به قوای قهریه و اقدام زورگرایانه یک جانبه را در اعمال حق دفاع مشروع خواه به صورت فردی و یا دسته جمعی در مقابل حمله مسلمانانه مجاز دانسته است استفاده از زور بر طبق منشور تنها به صورت حقی انحصاری در اختیار سازمان ملل متحد قرار گرفته است. اصل ممنوعیت استفاده از قوای قهریه و تهدید به زور در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل به کرات مورد تاکید قرار گرفته است و امروز این اصل به عنوان حقوق بین‌الملل عرضی شناخته شده و دیوان بین‌الملل دادگستری در تصمیم‌گیری اش در قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا در سال ۱۹۸۶ و در قضیه مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح های اتمی در سال ۱۹۹۹ بر آن صحنه گذاشت این اصل توسط بسیاری از نویسندگان مورد تاکید قرار گرفته و از آن به عنوان قاعده آمره حقوقی نام برده شده است.

مداخله بشر دوستانه و توسل به زور تنها در صورتی می‌تواند مجاز تلقی شود که شورای امنیت سازمان ملل متحد نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر را تشخیص دهد و آن را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی بداند که آن را به طور جدی تهدید می‌کند. به نحوی که شورای امنیت نهایتاً اقدامات اجباری به منظور جلوگیری از این تخلفات را مجاز می‌سازد.

در دهه‌های پس از تشکیل سازمان ملل متحد، عملکرد حداقل برخی دولت‌های عضو این سازمان بدین سمت بوده که توسل به زور در مواردی مانند دفاع پیش‌دستانه، دفاع پیشگیرانه و مسئولیت حمایت را نیز در زمره مستثنیات بر قاعده ممنوعیت توسل به زور و بی‌نیاز از کسب مجوز شورای امنیت قلمداد نمایند. یکی دیگر از مواردی که حداقل از دیدگاه برخی توانسته است استثنای جدیدی در قاعده ممنوعیت توسل به، زور ایجاد کند دکترین «مسئولیت حمایت» است. اهمیت این موضوع را از آنجا می‌توان بهتر درک کرد که تهاجم نیروهای غربی بدون مجوز شورای امنیت به صربستان به بهانه حمایت از مردم کوزوو در برابر حملات نیروهای صرب، و یا اقدام نظامی روسیه در خاک گرجستان به بهانه حمایت از مردم اوستیا و آبخازیا نیز تحت همین عنوان قرار می‌گیرد. بنابراین معیارهایی مانند حمایت از حقوق بشر دفاع مشروع و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند برای توسل به زور در نظر گرفته شود. چنانکه در حمله ناتو به صربستان و حمله کشورهای متحد به عراق، تحت عنوان حمایت از گروه‌های در معرض خطر و پیشگیری از نقض فاحش حقوق بشر انجام شد البته آثار حقوقی چنین

۱۳۸....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

توسل به زوری باید تحقق عدالت و کرامت انسانی باشد به شرط آن که در فرآیند توسل به زور مقررات بشر دوستانه رعایت شود چنانکه منتقدین و بسیاری از کشورها از اقدامات توسل به زور به عنوان گسترش خشونت نام می‌برند.

به طور کلی معیارهایی مانند حمایت از حقوق بشر، دفاع مشروع و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند برای توسل به زور در نظر گرفته شود. حمایت از حقوق بشر را می‌توان از مهمترین عوامل در تجویز توسل به زور از طرف شورای امنیت دانست. همچنین باید اشاره کرد آثار حقوقی توسل به زور در سطح بین‌المللی باید منجر به تحقق عدالت و کرامت انسانی باشد به شرط آن که مقررات بشر دوستانه رعایت شود. زمانی که کشورهای عضو سازمان ملل قصد توسل به زور را دارند هدفشان رفع خشونت و ظلم از افراد و گروه‌هایی است که مورد هجوم قرار گرفتند بنابراین پیامد توسل به زور توسط شورای امنیت و یا ائتلاف‌های منطقه‌ای باید بالا بردن کرامت و عزت انسان‌هایی باشد که به خاطر نقض حقوق بشر توسط گروه‌های مهاجم آسیب دیده‌اند.

امروزه، شورای امنیت صلاحیت خود را به بسیاری از مسائل جهان گسترانده است. در واقع، شورای امنیت تمرکز خود را از بین‌المللی بودن یک مساله به امنیتی بودن آن تغییر داده است. از سوی دیگر، شورای امنیت ابزارهای واکنشی خود را نیز متنوع کرده است.

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تأکید بر منشور سازمان ملل متحد... ۱۳۹

منابع:

- جلالی، محمود، رضائی مسعود (۱۳۹۷)، جنگ سایبری و توسعه حقوق بین‌الملل منع توسل به زور، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۸۴، شماره ۳.
- حیدری، حمید (۱۳۷۶)، توسل به زور در روابط بین‌الملل از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی و فقه شیعه، تهران: انتشارات اطلاعات.
- جاوید احسان (۱۳۹۳)، مشروعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی یکجانبه در حقوق بین‌الملل؛ ضامن اجرای حقوق بین‌الملل یا ابزار سیاست ملی؟ حقوق و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)
- رستمی‌نژاد، امید (۱۳۹۳)، بررسی نقش مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل در شکل‌گیری قواعد آمره بین‌المللی با تأکید بر اصل منع توسل به زور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه حقوق و علوم سیاسی
- شافع میرشهبیز، دولاح عبدالصمد (۱۳۹۵)، تحلیل رویه شورای امنیت در مدیریت نقض‌های شدید حقوق بشر، سیاست جهانی، دوره ۵، شماره ۳
- شریچور نیکو، اصل ممنوعیت توسل به زور: تفسیر ماده ۲ بند ۴ از منشور ملل متحد، ترجمه مختاری مرتضی (۱۳۹۵) برگرفته از سایت <http://www.iail.ir> تاریخ بازدید ۱۳۹۷/۱۲/۲۰
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۷۰)، مشروعیت جنگ و توسل به زور از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مجله سیاست خارجی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم،
- ضیایی بیگدلی محمدرضا (۱۳۹۵)، حقوق معاهدات بین‌الملل، چاپ پنجم، نشر گنج دانش
- فیضی فریناز (۱۳۹۳)، اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل چه جایگاهی دارد؟ جواز محدودیت یا ممنوعیت، موسسه حقوق آریا
- قربان نیا، ناصر، بررسی مداخله بشر دوستانه از منظر اخلاق، تهران، فصلنامه مفید، ۱۳۸۲ شماره ۳۷

- ۱۴۰....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸
- کرابی سید علی (۱۳۹۲)، رابطه اصل منع توسل به زور و دکترین مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل با تاکید بر بحران سوریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ادبیات و علوم انسانی
- قاسمی علی، چهار بخش ویکتوریا باربن (۱۳۹۰)، تهدید به زور و حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۱۵۶، ۳۶-۱۳۳
- کروی، محمدتقی (۱۳۸۴)، دکترین مداخله بشردوستانه در پرتو حقوق بشر هزاره سوم، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۲ و ۱۱، پیاپی ۱۸۰، ۱۸۱
- ممتاز جمشید، صابری انصاری بهزاد (۱۳۹۱)، تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۳
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰)، سیستم امنیت دسته جمعی در تئوری و عمل، مجموعه مقالات بررسی تحول مفاهیم، تهران، دفتر معاملات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، تهران
- میوه بان میلاد (۱۳۹۷)، نقض مقررات حقوق بشر به واسطه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، فصلنامه قانون، دوره دوم، شماره پنجم

منابع انگلیسی:

- Blechman, B.M. & Wittes, T.C., (۱۹۹۹), "Defining Moment: The Threat and Use of Force in America Foreign Policy", in: Caraley, D.J. (ed), The New American Interventionism, New York: Columbia University Press
- Brownlie, I., (۱۹۶۳), **International Law and the Use of Force by States**, Oxford: Clarendon Press.
- Forsyth, David. (۲۰۱۲) "The UN Security Council and Human Rights State"
- Dinstein, Y., (۲۰۰۵), **War, Aggression and Self-Defence**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Einsiedel, S, Malone, D. & Ugarte, B, (۲۰۱۵.) **The UN Security Council in an Age of Great Power Rivalry**, United Nations University Working Papers.
- Fassbender, B. (۲۰۱۱) **Securing Human Rights? Achievements and Challenges of the UN Security Council**, Oxford University Press.

مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد...۱۴۱

- Forsythe, D.(۲۰۱۲.) **“The UN Security Council and Human Rights State Sovereignty and Human Dignity”**, International Policy Analysis, Friedrich Ebert Stiftung.

- Martin, E.A. & Law.J., (۲۰۰۶), **a Dictionary of Law**, Oxford:Oxford University Press

- Sadurska, R., (۱۹۸۸), **"Threats of Force"**, American Journal of International Law, No.۸۲.